مجله:مبلغان-اردیبهشت 1386، شماره 90

**غرایز انسانی، بایدها و نبایدها (2)**

نویسنده : محمد مهدی فجری ، صفحه 61

کلمات کلیدی ماشینی:

غریزه، من، اسلام، انسان، شهوت، ازدواج، سرکوب، جوان،

**ضرورت سیاست گذاری**

یکی از نعمتهای الهی وجود غرایز در نهاد انسان است که مایه بقای او محسوب می شود. اما با توجه به تأکید اسلام بر پاسخگویی مناسب به همه غرایز از سویی و دستور بر اعتدال و میانه روی ازسوی دیگر و نیز در تضاد بودن برخی از غرایز با یکدیگر، ضرورت برنامه ریزی و سیاست گذاری در این زمینه آشکار می گردد؛ چنان که می بینیم توجه خاص بشر به حب جاه، موجب تحت الشعاع قرار گرفتن سایر غرایز مثل توجه به دوستان و محبت به فرزندان می شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ لَمْ یَسُسْ نَفْسَهُ اَضَاعَهَا؛ هر کس برای نفس خود سیاست گذاری نکند، آن را ضایع خواهد کرد.»

روشن است که سیاست گذاری برای مملکت دل از سیاست گذاری برای یک شهر و کشور مهم تر است. در صورتی که انسان نتواند برنامه و سیاست مناسبی در قبال غرایز و تمایلات خویش اتخاذ کند، خواسته یا ناخواسته در مرحله سقوط قرار می گیرد و ممکن است همانند برخی حکام جور، کشور یا حتی جهان را دچار تشنج سازد. در این میان، سیاستی که از دین نشئت می گیرد، می تواند مانعی بر افراط و تفریط و سقوط و تباهی باشد.

**قوانین و اصول حاکم بر ارضای غرایز**

چنان که گفته شد، غرایز در وجود انسان طبیعی و غیر قابل انکار بوده، هدایت و ارضای صحیح آن، زمینه ساز اصلاح فرد و جامعه و انحراف از آن، سرچشمه بسیاری از مفاسد فردی و اجتماعی خواهد بود. بر این اساس، دین مبین اسلام با ترسیم برنامه ای کامل و دقیق، انسان را برای پیمودن مسیر تکامل و جلوگیری از سقوط یاری کرده و با ارائه راهکارهایی مناسب، ضمن پاسخگویی به تمامی غرایز بشر، از افراط و تفریط در آن جلوگیری به عمل آورده است. این راهکارها عبارت اند از:

**اول. سرکوب غریزه ممنوع**

سرکوب به معنی خوار و زبون ساختن شخص یا چیزی است.

اولین اصل مهم که اسلام بر آن تأکید فرموده، اصل عدم سرکوب غریزه است. شهید مطهری رحمه الله ضمن اشاره به اینکه کاوشها و کشفیات در یک قرن اخیر، ثابت کرده است که سرکوب غرایز و تمایلات بالاخص غریزه جنسی مضرات و خطرات فراوانی به بار می آورد، می فرماید: «غرایز سرکوب شده و ارضا نشده پنهان از شعور ظاهر، جریاناتی را طی می کنند که چه از نظر فردی و چه از نظر اجتماعی، فوق العاده برای بشر گران تمام می شود.»

در جای دیگر می فرماید: «روان شناسان ریشه بسیاری از عوارض ناراحت کننده عصبی و بیماریهای روانی و اجتماعی را احساس محرومیت، خصوصا در زمینه امور جنسی تشخیص داده اند. آنها ثابت کرده اند که محرومیتها مبدأ تشکیل عقده ها، و عقده ها احیانا به صورت صفات خطرناک مانند: میل به ظلم و جنایت، کبر و حسادت، انزوا و گوشه گیری، بدبینی و غیره تجلی می کند. اصل بالا در موضوع زیانهای سرکوب غرایز از نوع کشفیات فوق العاده با ارزش روانی است و در ردیف ارزنده ترین موفقیتهای بشر است.»

اسلام عزیز نه تنها با سرکوب غرایز مخالف است و آن را موجب به تعطیل کشیده شدن غرایز و عبث بودن خلقت آنها می داند، بلکه بر ارضای غرایز به طور کامل و بر اساس دستورات دین پا فشاری می کند.

در مقابل، برخی عدم سرکوب را به معنی آزادی مطلق تفسیر کرده اند. اشتباه این افراد که برای جلوگیری از سرکوب غرایز و رشد استعدادها، رژیم اخلاق آزاد را پیشنهاد کرده اند، ناشی از نادیده گرفتن تفاوت شگرف انسان و حیوان است. آنها به این جهت توجه نکرده اند که میل به بی نهایت در سرشت انسان نهفته است و با آزاد گذاشتن آن در هیچ نقطه ای متوقف نخواهد شد.

**دوم. تعادل بین غرایز**

یکی دیگر از اصول حاکم بر ارضای غریزه، اصل تعادل در غرایز است. اساس اسلام بر تعادل و میانه روی در امور است. افراط و تند روی و تفریط و کند روی در طول تاریخ، آثار ناپسندی از خود بر جای گذاشته و منشأ گرفتاریهای فراوانی شده است. بر اساس همین نگرش، دین اسلام آزادی مطلق در غرایز و نیز سرکوب آن را به شدت منع کرده و از رشد یک غریزه به گونه ای که به دیگر غرایز لطمه وارد کند، نهی فرموده است؛ چرا که غرایز همانند رودخانه ای است که اگر کانالیزه شود، قابل استفاده و آرامش بخش خواهد بود؛ اما اگر غرایز رها شوند و تعادل آنها به هم بخورد، همانند سیل تخریب کننده خواهند بود.

شاید بتوان علت بسیاری از افراط و تفریطها را عدم شناخت نیازهای واقعی دانست؛ چرا که اگر انسان نیازهای واقعی خویش را بشناسد و به اندازه نیاز به هر غریزه پاسخ گوید، هیچ گاه بی بند و باری در غریزه شهوت، شکم پرستی در غریزه گرسنگی، انباشت ثروت و علاقه به پست و مقام در غریزه تفوّق طلبی، و تکبر و خود پسندی در غریزه حب نفس به وجود نخواهد آمد.

شعار اسلام در همه نیازمندیهای انسان، اصل تعدیل است. «نه تعطیل، نه تحریک، بلکه تعدیل.»

**کنترل غرایز**

حال که اصل تعادل و لزوم آن در غرایز بیان شد، لازم است به این نکته اشاره شود که در جامعه اسلامی بحث کنترل، به معنی محدود کردن نمی باشد. وضع راهکارهای مناسب گویای این مطلب است که اسلام در صدد مبارزه با افراط و تفریط و مقابله با اثرات ناشی از آن است. به عنوان نمونه، اگر اسلام با تمام مظاهر بی بند و باری و روابط نامشروع مبارزه می کند، در مقابل بر سنت ازدواج به صورتهای مختلف تأکید می کند و عدم ازدواج را سنت شکنی می داند. مؤید این مطلب، روایت زنی است که خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: «إِنِّی امْرَأَةٌ مُتَبَتِّلَةٌ فَقَالَ وَ مَا التَّبَتُّلُ عِنْدَکِ قَالَتْ لاَ أَتَزَوَّجُ قَالَ وَ لِمَ قَالَتْ أَلْتَمِسُ بِذَلِکَ الْفَضْلَ فَقَالَ انْصَرِفِی فَلَوْ کَانَ بِذلِکِ فَضْلاً لَکَانَتْ فَاطِمَةُ علیهاالسلام أَحَقَّ بِهِ مِنْکِ إِنَّهُ لَیْسَ أَحَدٌ یَسْبِقُهَا إِلَی الْفَضْلِ؛ من زنی «متبتّله» هستم. حضرت فرمود: مقصودت از تبتّل چیست؟ جواب داد: تصمیم دارم هرگز ازدواج نکنم. فرمود: برای چه؟ گفت: برای نیل به فضیلت و کمال. حضرت فرمود: از این تصمیم منصرف شو! اگر خود داری از ازدواج فضیلتی در بر می داشت، حضرت زهرا علیهاالسلام به درک این فضیلت از تو شایسته تر بود و احدی در فضیلت بر او پیشی نگرفته است.»

آنچه می توان به عنوان وظیفه مبلغان گرامی و اولیا و مربیان بر شمرد، آن است که ضمن در نظر گرفتن مخاطب، مخصوصا مخاطب جوان و نوجوان راههای مناسب برای ارضای غریزه را به آنان گوشزد نموده و مسیر صحیح و سالم را به آنان معرفی کنند.

به عنوان مثال، اگر جوان داوطلبانه به دنبال کنترل غریزه شهوانی خویش باشد، می توان او را با راههای زیر آشنا ساخت:

**الف. شناسایی منشأ شهوات**

**1. مال و ثروت**

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ؛ دارایی و ثروت مایه اصلی شهوات [بشر] است.»

**2. چشم**

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «نِعْمَ صَارِفُ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الاَْبْصَارِ؛ بهترین عامل روی گردانی از خواهشها و امیال فرو بستن چشمهاست.»

آن حضرت در پاسخ به سؤال کسی که پرسید: «بِمَا ذَا یُسْتَعَانُ عَلَی غَضِّ الْبَصَرِ؛ چگونه چشمان خود را از [حرام] فرو بندیم؟» فرمود: «بِالْخُمُودِ تَحْتَ سُلْطَانِ الْمُطَّلِعِ عَلَی سِرِّکَ وَ الْعَیْنُ جَاسُوسُ الْقَلْبِ وَ بَرِیدُ الْعَقْلِ فَغُضَّ بَصَرَکَ عَمَّا لاَ یَلِیقُ بِدِینِکَ وَ یَکْرَهُهُ قَلْبُکَ وَ یُنْکِرُهُ عَقْلُکَ؛ با در نظر گرفتن قدرت خداوندی که مطلع بر اسرار توست؛ در حالی که چشم جاسوس قلب و رابط [بین چشم و] عقل است. پس چشمانت را از آن چیزی که لایق دینت نیست و قلبت [از آن] اکراه دارد و عقلت آن را انکار می کند، فرو بند!»

**ب. شناخت مقام معنوی خویش**

در صورتی که انسان به شأن و مقام و شخصیت خویش واقف گردد، خواهد توانست به راحتی بر لجام گسیختگی غریزه شهوت فائق آید؛ چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ کَرُمَتْ عَلَیْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَیْهِ شَهَوَاتُهُ؛ هر کس شخصیتش برایش کریم و بزرگ باشد، شهواتش برای او خوار می شود.»

و نیز می فرماید: «مَنْ عَرَفَ شَرَفَ مَعْنَاهُ صَانَهُ عَنْ دَنَائَةِ شَهْوَتِهِ؛ کسی که شرافت ذاتی خویش را بشناسد، [این شناخت] او را از پستی شهوت مصون می دارد.»

**ج. شناخت راههای کم شدن شهوت**

**1. عقل و حکمت**

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «مَنْ کَمَلَ عَقْلُهُ اسْتَهَانَ بِالشَّهَوَاتِ؛ کسی که عقلش کامل گردد، شهوتش را خوار می کند.»

و نیز می فرماید: «کُلَّمَا قَوِیَتِ الْحِکْمَةُ ضَعُفَتِ الشَّهْوَةُ؛ هر گاه حکمت قوی گردد، شهوت ضعیف می شود.»

**2. عفت**

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْعِفَّةُ تُضْعِفُ الشَّهْوَةَ؛ عفت، شهوت را ضعیف می کند.»

**3. یاد مرگ**

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فَأَکْثِرُوا ذِکْرَ الْمَوْتِ عِنْدَ مَا تُنَازِعُکُمْ إِلَیْهِ أَنْفُسُکُمْ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ کَفَی بِالْمَوْتِ وَاعِظاً؛ وقتی نفس شما خواست شما را با شهوات به تباهی بکشاند، زیاد به یاد مرگ باشید؛ زیرا برای موعظه، یاد مرگ کافی است.»

اگر جوان حاضر به چشم پوشی از غرایز شهوانی خویش نگردد و راههای یاد شده در او تأثیرگذار نباشد، لازم است او را با ضررهای دنیوی، جسمی و روحیِ آزاد گذاشتن بی قید و بند غریزه شهوت آشنا سازیم. به عنوان نمونه، یکی از مواردی که در تحریک غریزه شهوت تأثیر بسزایی دارد، چشم چرانی است و بازگو کردن ضررهای جسمی و روحی آن، باز دارندگی بسیار زیادی در جوان و نوجوان ایجاد خواهد کرد؛ ضررهایی همچون:

**1. حسرت طولانی**

اگر چه نگاه حرام موجب لذت آنی است، اما گاه یک نگاه، انسان را برای همیشه در حسرت فرو می برد و همین باعث به هم ریختن سیستم عصبی می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید: «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِیسَ مَسْمُومٌ وَ کَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِیلَةً؛ نگاه حرام تیری است از تیرهای زهرآگین شیطان و چه بسا نگاهی که حسرت و پشیمانی طولانی از خود به جای می گذارد.»

**2. آینده مجهول**

جوان چشم چران به هیچ وجه نخواهد توانست آینده خوبی داشته باشد؛ چرا که به دلیل دیدن افراد متفاوت، هیچ کس را مناسب ازدواج نمی بیند و با هیچ فردی آرام و قرار نخواهد گرفت؛ به خلاف مؤمنان که ازدواج بهترین راه رسیدن آنان به آرامش می باشد؛ همچنان که قرآن مجید می فرماید: «وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فی ذلِکَ لآَیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ»؛ «و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد. در این، نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.»

**3. ضررهای جسمی و روحی**

تپش قلب، ضعف و خستگی عمومی، سردرد، بی قراری، بی خوابی، کم اشتهایی، خستگی فکری و بسیاری از موارد دیگر، از جمله ضررهای جسمی و روحی چشم چرانی است.

**سوم: طغیان یک غریزه عامل شکستن تعادل غرایز**

**چنان که اشاره شد، تعادل بین غرایز و عدم سرکوب آنها، دو اصل مهم و اساسی است که اسلام تأکید فراوانی بر آن دارد. در این میان، آنچه حایز اهمیت است اینکه عدم توجه به این دو اصل، می تواند تعادل سایر غرایز و امیال را نیز با مشکل مواجه سازد. بنابراین، افراط و تفریط در مورد ارضای غرایز، خواه ناخواه تعادل روحی و روانی فرد را به هم می ریزد که یقینا زود یا دیر در جایی دیگر بروز خواهد کرد؛ چنان که تکرار استمناء، در بلند مدت عقیم شدن انسان و سلب لذت جماع حلال را به دنبال دارد و نیز پرخوری که لذت عبادت را از انسان سلب می کند.**

**به همین دلیل است که اسلام به غرایز همانند رودخانه ای است که اگر کانالیزه شود، قابل استفاده و آرامش بخش خواهد بود؛ اما اگر رها شوند و تعادل آنها به هم بخورد، همانند سیل تخریب کننده خواهند بود**

**سنت ازدواج تأکید فراوان دارد و حتی در صورت لزوم، ازدواج موقت و تعدد زوجات را جایز دانسته است تا غریزه شهوت به خوبی پاسخ داده شود.**

**چهارم: تدریج در ارضاء**

اصل بسیار مهم دیگر، تدریج در ارضاء می باشد. آنچه مسلم است توجه زودتر از موعد به یک غریزه، عواقب ناگواری را متوجه فرد و اطرافیان می کند. به عنوان نمونه، اسلام والدین را از عواملی که منجر به ارضای زود هنگام غریزه شهوت در کودکان و نوجوانان شود، به شدت بر حذر داشته و بر آن تأکید فراوانی کرده است.

نهی از به رو خوابیدن، جدا بودن محل استراحت والدین و فرزندان، عدم خوابیدن بچه ها حتی از یک جنس در زیر یک رو انداز، عدم پوشیدن شلوارهای تنگ، و پوشش زنان نامحرم در مقابل نوجوانان ممیز، از جمله دستوراتی است که در جهت عدم تحریک قوه شهوانی و بیداری زود هنگام آن صادر شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الصَّبِیُّ وَ الصَّبِیُّ وَ الصَّبِیُّ وَ الصَّبِیَّةُ وَ الصَّبِیَّةُ وَ الصَّبِیَّةُ یُفَرَّقُ بَیْنَهُمْ فِی الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِینَ؛ بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و پسر بچه با دختر بچه و دختر بچه با دختر بچه در سن ده سالگی باید از هم جدا شود.»

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لَا یَنَامُ الرَّجُلُ عَلَی وَجْهِهِ وَ مَنْ رَأَیْتُمُوهُ نَائِماً عَلَی وَجْهِهِ فَأَنْبِهُوهُ وَ لَا تَدَعُوهُ؛ مرد نباید به رو بخوابد و هر کس را دیدید که به رو خوابیده، بیدارش کنید و رهایش نکنید.»

بر اساس همین اصل مهم تربیتی است که اسلام وارد شدن به محل استراحت والدین را در سه وقت مشروط به اجازه می داند. قرآن مجید می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لِیَسْتَأْذِنْکُمُ الَّذینَ مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ وَ الَّذینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ ثَلاثَ مَرّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلاةِ الْفَجْرِ وَ حینَ تَضَعُونَ ثِیابَکُمْ مِنَ الظَّهیرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْعِشاءِ ثَلاثُ عَوْراتٍ لَکُمْ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید [برای ورود به محل استراحت شما] از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و در نیمروز هنگامی که لباسهای [معمولی[ خود را بیرون می آورید و بعد از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شماست.»

**پنجم: تأخیر در ارضاء ممنوع**

همان گونه که تحریک زود هنگام غرایز، عواقب سوئی را به همراه دارد، تأخیر در ارضاء و عدم پاسخ گویی به موقع نیز تأثیرات منفی بسیاری را به بار می آورد.

این اصل یکی از اصول مهم تربیتی است که شارع مقدس تأکید فراوانی بر آن نموده است. سفارش به ازدواج و تسریع در آن از سفارشهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَا بُنِیَ فِی الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِیجِ؛ هیچ بنایی در اسلام پایه گذاری نشده است که در پیشگاه خداوند محبوب تر و عزیزتر از امر ازدواج باشد.»

و نیز می فرماید: «یَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْکُمُ الْبَاهَ فَلْیَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ وَ أَحْصَنُ لِلْفَرْجِ؛ ای گروه جوانان! هر یک از شما که قدرت ازدواج دارد، حتما اقدام کند؛ چرا که این خود بهترین وسیله ای است که چشم را [از نگاههای آلوده] و عورت را [از بی عفتی و گناه] محافظت می کند.»

و نیز می فرماید: «شِرَارُ أُمَّتِی عُزَّابُهَا؛ جوانان بی همسر بدترین افراد امت من هستند.»

آنچه می توان دلیل عمده ممنوعیت تأخیر در ارضاء عنوان کرد، آن است که میل جنسی همانند سایر امیال بدون ارضاء از بین نمی رود و انسان به آرامش نمی رسد.

از نگاه روان شناسان اگر چه میل جنسی از سویی به جسم مرتبط است، اما از سوی دیگر عطش روحی همراه آن به سادگی و بدون ارضاء از بین نمی رود و تأخیر، ضررهای بسیاری را متوجه جسم و روح انسان خواهد کرد. همین امر در سایر غرایز نیز مشاهده می شود؛ چنان که اگر به غریزه تشنگی و گرسنگی دیر پاسخ داده شود، علاوه بر زیانهایی که متوجه جسم انسان می شود، به سیستم روانی نیز آسیب می رساند.

از این رو، حضرت علی علیه السلام به عده ای که در کناری نشسته بودند و به زن زیبایی که از کنار آنها می گذشت، نگاه می کردند، فرمود:

«إِنَّ أَبْصَارَ هَذِهِ الْفُحُولِ طَوَامِحُ وَ إِنَّ ذَلِکَ سَبَبُ هَبَابِهَا فَإِذَا نَظَرَ أَحَدُکُمْ إِلَی امْرَأَةٍ تُعْجِبُهُ فَلْیُلاَمِسْ أَهْلَهُ فَإِنَّمَا هِیَ امْرَأَةٌ کَامْرَأَتِهِ؛ همانا دیدگان این مردان به منظره شهوت آمیز دوخته شده است و به هیجان آمده اند. هر گاه کسی از شما با نگاه به زنی به شگفتی آید، با همسرش بیامیزد که او نیز زنی چون زن وی می باشد.»

**ششم: توجه به سازگاری احکام غرایز با قوانین طبیعت**

اصل مهم دیگری که توجه به آن حایز اهمیت است، انطباق تمامی دستورات اسلام در مورد غرایز با قوانین طبیعت و تطابق آن با یافته های امروزی است.

اگر اسلام عزیز پر خوری را مضر به حال جسم می داند، استمنا را نیز مسیر غیر طبیعی ارضاء می داند، از تحریک بدون ارضاء جلوگیری می کند، ارضاء از راه حرام را منع می کند، افراط و تفریط در مورد یک غریزه را مضر به حال جسم و روح می داند، تمامی مظاهر محرک را حرام می شمارد و والدین را از نتایج بلوغ زودرس بر حذر می دارد و اگر صدها شعار اسلام در همه نیازمندیهای انسان، اصل تعدیل است. «نه تعطیل، نه تحریک، بلکه تعدیل.»

مورد دیگری را که مورد تأکید قرار داده است، با قوانین طبیعی و نتایج تحقیقات علمی دانشمندان بسنجیم، به دقتِ نظر اسلام و سازگاری احکام غرایز با قوانین طبیعی پی خواهیم برد.

البته علوم تجربی و معرفت بشری هیچ گاه به کُنه دستورات اسلامی و آسمانی پی نخواهد برد و تنها در برخی موارد می توانند از جزئیات و لطایف آن پرده بردارند.

خلاصه آنکه مخفی نگاه داشتن روابط جنسی والدین در خانه، کنترل نامحسوس فرزندان در بیرون از خانه، یافتن نیازهای جوان و نوجوان و شناسایی راههای صحیح ارضای آنها و پاسخ مناسب به آن نیازها، از جمله وظایف والدین است. اگر والدین ـ به خصوص مادر ـ در خانه به وظایف خویش به شایستگی عمل کنند و بتوانند فضای روحی مطلوبی فراهم نمایند و اگر حکومت اسلامی با توجه به در اختیار داشتن امکانات وسیع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و انتظامی، تمام توان خویش را به کار گیرند، خواهند توانست نقش عمده ای در کاستن انحرافات جنسی و ارضای صحیح غرایز ایفا کنند. اینکه چه فیلم، موسیقی، کتاب و مجله ای مجاز می باشد و اینکه برای کم کردن فاصله بین بلوغ و ازدواج چه سیاستهایی باید به اجرا در آید و موارد بسیار دیگر، از جمله مسائلی است که به عهده حاکمان می باشد.

و آخر آنکه شناساندن غرایز و راههای صحیح ارضای آنها به والدین و همچنین جوانان و نوجوانان وظیفه ای است که بر عهده مبلغان گرامی نهاده شده است.